

# همشهری

حافظ  
تاسر زلف تو در دست نسیم افتادست  
دل سوزانده از غصه دو نیم افتادست

صفحات: ۱۲  
عناوین: ۱۲

همشهری: www.hamshahronline.ir  
سایت روزنامه: newspaper.hamshahronline.ir

دفتر مرکزی: تهران، خیابان ولیعصر (عج)، کوچه شهید سید کمال قرنی، شماره ۱۴  
کد پستی: ۴۵۹۵۶-۱۹۶۶۶-۱۹۳۶۶  
تلفن: ۲۲۰۴۶۰۶۷-۲۲۰۳۰۰۰۰

صفحه آخر

صاحب امتیاز: مؤسسه همشهری  
مدیر مسئول: محسن مهدیان  
سرمدیر: دانیال معمار  
مدیران: سعید بریدانی، شاهرخ فرهنگی، علی عمادی، شاهین امین، حامد فوقانی  
مدیر فنی: حامد یزدانی  
مدیر هنری: مهدی سلامی  
مدیر عکس: امیر پناهپور

سیاسی و دیپلماتیک: مدیر: جاسین ارچلو  
شورنگار: مدیر: عریضی محمدی  
مدیر: پروانه بهرام نژاد  
مدیر: مریم باقرپور  
اقتصاد: مدیر: حسین لطفی  
مدیر: مریم موسی پور  
تماشاگر: مدیر: امیر محمد یعقوب پور  
مدیر: لیلی فرسند

ایرانشهر: مدیر: هژرا عباسی  
تدوین: مدیر: عریضی محمدی  
مدیر: پروانه بهرام نژاد  
مدیر: مریم باقرپور  
سرخ: مدیر: جواد عزیزی  
مدیر: محمد جعفری  
دانشجویان: مدیر: ساسان شادمان  
مدیر: زهرا خلجی  
سرزمین من: مدیر: محمد باریکاتی

## تهران مصور

### سرکیس مقدس نبش خیابان ویلا



جمعیت ارمنه تهران از نیمه دوم قرن بیستم میلادی کم کم در حال افزایش بود و مسیحیان بیشتر محله‌های تهران، کلیسایی نزدیک خودشان برای عبادت و انجام مراسم مذهبی نداشتند، به همین دلیل خیر ارمنی به مار کام سرکیسیان تصمیم گرفت کلیسای بزرگتری در محدوده مرکزی شهر بسازد و همان جا مرکز خلیفه گری جدید باشد. تا قبل از آن کلیسای مریم مقدس در خیابان میرزا کوچک خان مرکز خلیفه گری و کلیسای جامع ارمنی‌ها بود. سرکیسیان زمین در نبش خیابان ویلا خرید، اما قبل از ساخت کلیسای جدید، بعد از مرگ مار کام سرکیسیان، پسرانش گوگرن و وازگن سرکیسیان، پسرانش گوگرن و وازگن سرکیسیان هزینه‌های ساخت کلیسای را پرداخت کردند و مهندس اوزن آفتانلیانس، کلیسای را با سبک معماری قرون وسطی و معماری عصر جدیدارمنستان طراحی کرد. ساختوساز کلیسای سال ۱۳۴۹ توسط لئون کشیشیان آغاز و ۳سال بعد یعنی ۱۳۵۲ با هزینه‌های نزدیک به سه و نیم میلیون تومان با نام سرکیس مقدس افتتاح شد. در مراسم افتتاح کلیسای بیش از هزار نفر از ارمنه تهران حضور داشتند و همان زمان مقر خلیفه گری ارمنه تهران از کلیسای مریم مقدس به این محل جدید انتقال پیدا کرد. این کلیسا که بر پایه نقشه بلیکلکالیسیاهای مهم و بزرگ که به شکل صلیب است) ساخته شده در سال‌های دفاع مقدس با اصابت موشک، بخشی از آن آسیب دید و سال‌های بعد مرمت شد.



## دیروزنامه



## دکتر یا خلبان هنوز مسئله این است

بر اساس گزارش منتشر شده در روزنامه ۳۰ سال پیش روزنامه همشهری در چنین روزی، همچنان مشکل اصلی جوانان، مسئله اشتغال است. طبق نظرسنجی روزنامه همشهری در آن روزگار، همچنان نیمی از نوجوانان و جوانان آرزو داشتند دکتر، مهندس یا خلبان شوند و هر چه تحصیلات والدین آنها بالاتر است، علاقه به مشاغل با منزلت اجتماعی بالاتر است.

## کارخانه‌هایی که تماشایی شدند

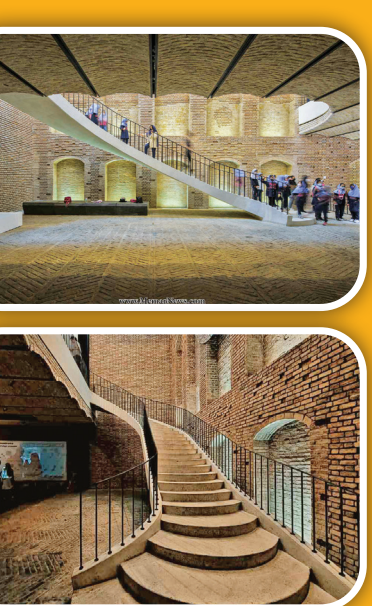
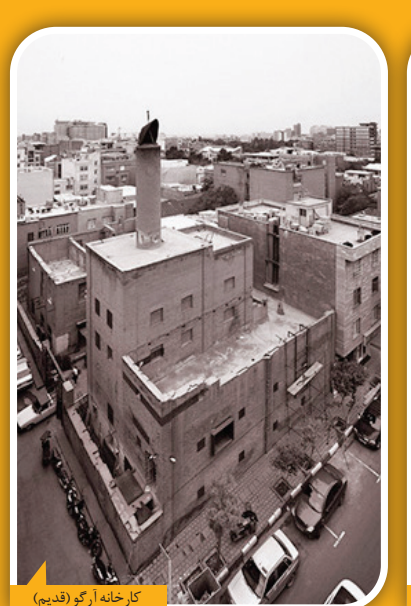
گزارشی از ۲ کارخانه قدیمی تهران که به موزه‌های متفاوتی تبدیل شده‌اند



سیمان ری، تولید سیمان در کارخانه متوقف شد و در نهایت کارخانه سال ۱۳۶۳ منحل شد و تا سال ۱۳۹۷ متروک و بلااستفاده ماند. این کارخانه از سال ۱۴۰۰ تبدیل به موزه شد. از مجموع ساختمان‌های کارخانه، برج خنک‌کننده، موزه اسناد و فضای کار اشتراکی برای بازدید و استفاده آماده و خط ۱۰۰۰ اتنی هم تبدیل به موزه شده است و کل این مجموعه حالا به نام موزه «صنعت سیمان ری» شناخته می‌شود. البته این تنها کارخانه تهران نیست که تبدیل به موزه شده، کارخانه ارگو در میدان فردوسی نیز از همین دست مکان‌هاست که حالا تغییر کاربری داده و تبدیل به مکانی فرهنگی شده است. این ساختمان یکی از کارخانه‌های تهران است که تا یک دهه پیش ساختمانی مخروبه بود و معاندان در آن تجمع می‌کردند، اما اکنون از بخت روزگار مرکزی هنری فرهنگی است که پاتوق اهل هنر و فرهنگ شده است. کارخانه نوشیدنی ارگو صدسال قبل در تهران تاسیس شد و در دهه‌های ۴۰ و ۵۰ به اوج موفقیت در فعالیت‌های صنعتی و تجاری خود رسید. می‌گویند در اوایل دهه ۳۰ تیمساری در حوالی کارخانه زندگی می‌کرد و از دود زیادی که از دودکش کارخانه بیرون می‌زد به ستوه آمده بود. تیمسار شکایتی تنظیم

ادم‌های اهل تاریخ و فرهنگ، موزه‌ها از خوب می‌باشند، موزه‌هایی که در سر تاسر شهر پراکنده‌اند و هر کدام بخشی از تاریخ، تمدن، هنر و فرهنگ مردمان کشور را به نمایش می‌گذارند. امروز سالروز افتتاح فاز اول موزه کارخانه سیمان ری است. کارخانه‌ای که ۱۰۰ سال پیش در ری احداث شد و به واسطه برداشته‌های گسترده از کوه‌های اطراف تهران بخشی از تاریخ ری و تهران را تخریب کرد، اما همین کارخانه بر خسارت، منشأ آبادی و بسیاری از ساختوسازها شد که شاید نام‌شانترین آنها راه آهن، جاده چالوس و تونل کندوان باشند. کارخانه سیمان ری که در محدوده دوازده هزار ساله زنگان، برج سلجوقی طغرل، باروی تاریخی شهر، چشمه‌علی ۷ هزار ساله، گورستان تاریخی ابن بابویه، بقعه بی‌بی زبیده، حرم شاه‌عبدالعظیم (ع) و کاروانسرای عباسی، قاجاری قرار گرفته است، به وسعت حدود ۱۱۲ هزار مترمربع در هفتم دی ماه سال ۱۳۱۲ راه‌اندازی شد.

در گذشته ساپاها روی کوچه‌ها و ورودی خانه‌ها و دیگر معابر می‌آمدند تا در سرزمینی گرم و خشک که آفتاب دلبری می‌کند، نور و گرما را کنترل کنند تا پیاده‌خسته، برای دمی بتواند نفس تازه کند و وزن نور ظل آفتاب را روی سر خودش حس نکند. حتی بنشینند در جایی خنک و تجدید قوا کنند برای ادامه راه. جالب اینکه ساپاها با ایجاد اختلاف دمای محیط بیرون با دمای محیط داخل باعث ایجاد کوران و جابه‌جایی هوای می‌شود و معماران می‌دانسته این نکته چقدر حیاتی است برای اقلیم گرم یا گرم و مرطوب... و البته که در فصل سرما و بارش هم سقفی روی سر عابر بودند؛ جایی برای آندگی مکت و کم کردن شتاب؛ چه اگر سقفی بود روی کوچه یا دالانی کوتاه قبل از ورودی خانه که این سایه‌گاه اصلاً نامش هم می‌گوید جایی است برای آسودگی و ریشه کهنی دارد؛ «سا» به معنای آسایش و «جات» به معنای آبادی و عمارت. در نگاهی دیگر آمده که ساپاها یا ساپات با سایه‌باف گرفته شده و این بنا سایه و باد را در تابستان برای مردم فراهم می‌کند.



کارخانه ارگو (قدیم)

کارخانه ارگو (جدید)

## هفتم تیر؛ قلب تپنده تهران



جمهوری اسلامی و به احترام شهید بهشتی و یارانش در هفتم تیرماه سال ۱۳۶۰، نام این شریان حیاتی تهران را میدان شهدای هفتم تیر گذاشتند. ساخت واحداث بزرگراه مدرس در سال ۱۳۴۹ که قبل از انقلاب به نام بزرگراه شاهنشاهی مشهور بود هم به این میدان رونق بیشتری داد. این روزها هم شهر زیرزمینی تهران با همان متروی پایتخت، رفت و آمد را در این محله، سهل کرده است. وسعت این میدان، بیش از ۲۳ هزار مترمربع است و در طول سال‌های اخیر با توجه به گوناگونی کاربردهای این میدان، معماری و فضای شهری و اصلاح هندسی آن، تغییراتی اساسی کرده است.

اهالی محله هفتم تیر، در یکی از شاهراه‌های تهران کنونی جا خوش کرده‌اند. اگر هوس کتاب و فرهنگ کنند، قدم‌زنان به خیابان کریم‌خان زند و کتابفروشی‌های رنگارنگش می‌رسند. اگر بخواهند به شمال شهر سفر کنند، بزرگراه شهید مدرس به آنها چشمک می‌زند و اگر هوس مرکز و جنوب شهر کنند از خیابان مفتوح جنوبی، سراغ میدان امام (ره) و میدان حسن آباد و میدان راه‌آهن می‌روند. تازه اگر اهل ورزش حرفه‌ای هم باشند، ورزشگاه شهید شیرودی در انتظارشان خواهد ماند. خلاصه اگر حوصله دارید، با ما همراه شوید در قلب تپنده تهران!

این محله از تهران، با وجود همجواری با خیابان‌هایی مثل بهار، بهار شش‌پاز و کریم‌خان زند، یکی از خوشنشان‌ترین محله‌های تهران است. یکی از

تاریخ شکل‌گیری این محله و میدان، به نیمه دوم دهه ۴۰ شمسی بازمی‌گردد. قبل از انقلاب، نام اینجا، میدان ۲۵ شهریور بود. اما بعد از حادثه انفجار دفتر حزب

این محله از تهران، با وجود همجواری با خیابان‌هایی مثل بهار، بهار شش‌پاز و کریم‌خان زند، یکی از خوشنشان‌ترین محله‌های تهران است. یکی از

تاریخ شکل‌گیری این محله و میدان، به نیمه دوم دهه ۴۰ شمسی بازمی‌گردد. قبل از انقلاب، نام اینجا، میدان ۲۵ شهریور بود. اما بعد از حادثه انفجار دفتر حزب

## کوچه گرد

### چرا متروی جهاد جوایز جهانی گرفت؟



لیلا باقری  
معماری ایستگاه متروی جهاد جوایز مختلفی دریافت و توجه‌ها را به خودش جلب کرده است؛ از من اگر بپرسید مهم‌ترین ویژگی این ایستگاه را آرامش آن می‌دانم. آرامش در جایی که از قضا در قلب شلوغی است؛ چه به دلیل ورودی مترو بودن و چه محل قرارگیری آن در یکی از نقاط پر ازدحام شهر... تضاد عجیبی است، نه؟ باهم سری به این ایستگاه بزنیم و ببینیم معمار این بنا چطور توانسته از دحام، عجله و اضطراب راه آرامش بدل کند که ایجاد چنین تضادی کاری بس هنرمندانه است. من معمار نیستم و تنها حس خودم را به عنوان شهروندی که از قضا عاشق پیاده‌روی، کوچه‌گردی و شهرگردی هستم، در دیدار با این بنا می‌گویم. وقتی برای اولین بار این طاق‌های تودرتوی منحنی را دیدم، این چند راهروی متعدد برای رسیدن به ورودی مترو، نخستین چیزی که در خاطر من زنده شد، ساپاها زیبایی گذری در محله کودکی‌هایم بود. هیچ وقت خنکی و سایه و آرامشی را که وقت عبور از آن ساپاها داشتم از یاد نبرده‌ام و امروز می‌دانم آرامش آن روز حاصل جمع چند اتفاق درست جذاب بود معطوف به محترم شمردن انسان و توجه به حال او، وقتی خارج از خانه است؛ همان مهربان بودن معماری با عابر پیاده.

در گذشته ساپاها روی کوچه‌ها و ورودی خانه‌ها و دیگر معابر می‌آمدند تا در سرزمینی گرم و خشک که آفتاب دلبری می‌کند، نور و گرما را کنترل کنند تا پیاده‌خسته، برای دمی بتواند نفس تازه کند و وزن نور ظل آفتاب را روی سر خودش حس نکند. حتی بنشینند در جایی خنک و تجدید قوا کنند برای ادامه راه. جالب اینکه ساپاها با ایجاد اختلاف دمای محیط بیرون با دمای محیط داخل باعث ایجاد کوران و جابه‌جایی هوای می‌شود و معماران می‌دانسته این نکته چقدر حیاتی است برای اقلیم گرم یا گرم و مرطوب... و البته که در فصل سرما و بارش هم سقفی روی سر عابر بودند؛ جایی برای آندگی مکت و کم کردن شتاب؛ چه اگر سقفی بود روی کوچه یا دالانی کوتاه قبل از ورودی خانه که این سایه‌گاه اصلاً نامش هم می‌گوید جایی است برای آسودگی و ریشه کهنی دارد؛ «سا» به معنای آسایش و «جات» به معنای آبادی و عمارت. در نگاهی دیگر آمده که ساپاها یا ساپات با سایه‌باف گرفته شده و این بنا سایه و باد را در تابستان برای مردم فراهم می‌کند.

در نخستین نگاه به طاق‌های بشکامی در معماری این ایستگاه که در وصف گفته‌اند «به شکل فریبنده‌ای ساده» نکته غنیمتی این است؛ امکان دمی ایستادن، آرام گرفتن، نفس تازه کردن برای تو که پیاده‌ای و در شتاب و خواه ناخواه می‌فهمی که این نقطه از شهر با تو مهربان است؛ شهری که بیشتر برای سوارها ساخته شده تا پیاده‌ها. پس به حق معمار می‌گوید طرح ما «پیاده‌محور» است. نمونه‌ای از معماری برای آشتی شهر با پیاده‌گان... و این فضای مکت را با قرار دادن پله‌ها به کمال می‌رساند. حالا این تنها ایستگاهی نیست برای رفتن و دویدن، جایی است برای قرار گرفتن در سایه و در امان ماندن از سستی گرما و سرما و شنیدن ساز نوایندگان شهری... معماری مهربان است با تو و تو که از این مهربانی رقیق و آرام می‌شوی، احوالت را تقسیم می‌کنی با مردم و پس مهربانی در مرادها و این یعنی نقش بی‌برو و برگرد معماری در آرامش شهر که حاصل آرامش مردمش است. اما استفاده از آجر که جدای از زیبایی و زنده کردن خاطرات معماری گذشته، جدای از اینکه مصالح مناسبی است برای آب و هوای تهران... در ساختش ظرافت، زیبایی و تأملی به کار رفته است که باز نشان از مهر گروه سازنده دارد با مردم و این دوست داشتن در قضا پراننده است، حتی اگر ندانیم برای ساخت آجر از کوره‌های نیمه تعطیل اطراف تهران استفاده کرده‌اند و هر چه بنویسم از لطافت این کار کم می‌کند. حالا هر وقت زیر طاق‌های مهربان این ایستگاه بایستیم، یادمان می‌آید که این بنا در همه اجزاء حتی تهیه مصالح اولیه مردم شهرش را دوست دارد و باشد که سرآغازی باشد برای استفاده از ظرفیت معماری ایرانی برای ساختن شهری که برای مردم است، به خاطر مردم است و در سرزمینی است که تمدن ایرانی را بر پایه مهر بنا کرد و گسترده که به قول الهی قمش‌های: گاهی بنایی و لانه‌ای درست می‌کنیم که انسان هم مثل بقیه حیوانات شب در لانه‌ای بخوابد. اما اگر قرار بر معماری است، ضمن دادن رفاه و اتاق معماری بنا، یادتی می‌اندازد که تو آدمیزادی و معشوقی داری و از توازن، تناسب، زیبایی، هارمونی، تقارن و... خوشت می‌آید و تو از تباط داری با عالم برتر و اگر این را از معماری حذف کنی روح ما افسرده می‌شود و نمی‌دانیم چرا در پلطن، چیزی ما را می‌خورد.



با اسکن این کیوآر کد  
پادکست مربوط به یادداشت  
را بشنوید.